

بحران مالی جهانی و کشورهای در حال توسعه

ترجمه: محمد علمی
کارشناس سازمان توسعه تجارت ایران

دارند. میزان رشد اقتصادی کشورهای آفریقایی در حدیست که هیچ یک از اعضای OECD در ۲۵ سال اخیر آن را تجربه نکرده اند! کشورهای آسیایی جنوب شرقی (آسه آن) که در سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ به ترتیب ۵/۹ و ۶/۴ درصد رشد برای خود پیش بینی کرده بودند با کاهش فاحشی مواجه نخواهند بود و صندوق بین المللی پول برای آنها در سال ۲۰۰۹ رشد ۵/۹ درصدی پیش بینی کرده است. حضور کشورهایی مانند چین در عرصه اقتصاد بین المللی، موقعیت اعضای OECD را در برخی از مناطق - از جمله قاره آفریقا - تضعیف کرده است براساس برآورد صندوق بین المللی پول هر یک درصد کاهش در رشد تولید ناخالص دنیا، سبب می شود که تولید ناخالص قاره آفریقا نیم درصد کاهش یابد. بنابراین می توان پیش بینی کرد که اثرات بحران مالی بر قاره آفریقا بسیار شدید خواهد بود و موجبات تجارت کشورهای آفریقایی، کاهش کمک های بین المللی به این کشورها و تقلیل سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای قاره سیاه را فراهم خواهد کرد. ظهور کشور چین در قاره آفریقا موجبات تحکم اقتصاد این کشورها را فراهم کرده است. تغییرات

کشورها سیر نزولی طی کند. کشورهای در حال توسعه تا چه مدت می توانند دوام بیاورند و رشد مثبت داشته باشند؟ بحران مالی از چه کانال هایی می تواند به اقتصاد در حال توسعه راه یابد و تا چه حد این اقتصادها را تحت تاثیر قرار خواهد داد؟ کدام گروه از کشورهای در حال توسعه توانایی آن را دارند که در برابر چالش های اقتصاد کلان - که مسبب آن اقتصادهای توسعه یافته است - مقاومت کنند و چه کشورهایی با مخاطرات بیشتری مواجه هستند؟ خط مشی های توسعه در کشورهای جهان سوم چه نقشی می تواند ایفا کنند و سیاستگذاران این کشورها تا چه حد نیازمند آگاهی از این خط مشی ها هستند؟ اگرچه یک کشور آفریقایی مانند «مالاوی» همچنان قادر است که به رشد اقتصادی بیش از ۸ درصدی خود - بر طبق برنامه - ادامه دهد، اما ایالات متحده [که بزرگ ترین اقتصاد دنیا به شمار می رود] با عظیم ترین بحران اقتصادی که از دهه ۱۹۳۰ تاکنون بی سابقه بوده است مواجه شده است. کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه - از لحاظ رشد اقتصادی - وضعیت کاملا متفاوتی

بحران مالی جهانی در اکثر کشورهای توسعه یافته رشد اقتصادی را به نحو قابل ملاحظه ای کاهش داده و دولت ها در سراسر جهان کوشش می کنند که اثرات این بحران را محدود کنند اما بسیاری از صاحب نظرات معتقدند که هنوز این بحران اثرات نامطلوب خود را آشکار نکرده است. ارزش سهام (تا پایان اکتبر ۲۰۰۸) بیش از ۴۰ درصد نسبت به حد نصاب های به دست آمده کاهش یافته است. بانک های سرمایه گذاری ورشکست شده اند. «بسته های نجات» (Rescue Packages) متعددی تدوین شده است که بر پایه آنها بیش از یک تریلیون دلار به اقتصاد کشورها تزریق خواهد شد و در سراسر جهان به گونه ای هماهنگ نرخ های بهره کاهش داده شده است. شاخص های عمده اقتصادی: نرخ های حمل کالا از طریق دریا - به نحو فاحش و هشدار دهنده ای گرایش نزولی دارند. این بحران چه تاثیری بر کشورهای در حال توسعه دارد؟ اگرچه بسیاری از آنها هنوز به رشد اقتصادی بالای خود ادامه می دهند اما پیش بینی می شود که به تدریج در آینده رشد اقتصادی این

جهان به اقداماتی بستگی دارد که ایالات متحده و اتحادیه اروپا برای مقابله با آن انجام خواهند داد. در سراسر جهان «بسته های» متعددی برای «نجات» از بحران طراحی و تهیه شده است اما باید دید که «بازار» نسبت به این راه حل ها چه عکس العملی از خود نشان خواهد داد. هنگامی که اقتصاد بریتانیا-علیرغم همه راهکارها- وارد مرحله رکود شده است می توان استنباط کرد که برخی از اقدامات نتیجه موردانتظار را به بار نمی آورد.

در شرایطی که نرخ بهره در اغلب کشورهای صنعتی تا حد نگران کننده ای پایین آورده شده است نمی توان به اثربخشی سیاست های پولی- با توجه به فشارهای تورمی اخیر- چشم امید داشت.

اثرات بحران مالی بر کشورهای در حال توسعه:

بحران مالی اخیر به دو طریق کشورهای در حال توسعه را تحت تاثیر قرار خواهد داد:

۱- بحران مالی مانند یک «اپیدمی» یا «بیماری مسری» به سرعت به همه بورس ها و بازارهای کالا سرایت می کند و به کاهش ارزش دارایی ها منجر می شود. به گونه ای که حتی در کشورهایی مانند روسیه که بازارهای مالی آن نسبتاً منزوی است مقامات رسمی ناگزیر می شوند که دوباره به تعطیل بورس اوراق بهادار خود اقدام و معاملات را متوقف کنند.

همزمان با سقوط ارزش سهام در بازار آمریکا، قیمت سهام در کشور هند ظرف یک روز ۸ درصد کاهش یافت و بورس برزیل در آستانه ورشکستگی قرار گرفت. از ماه مه ۲۰۰۸ تاکنون (اکتبر ۲۰۰۸) ارزش سهام به نحو قابل توجهی کاهش پیدا کرده است. ما شاهد بوده ایم که ارزش سهام در ایالات متحده و بریتانیا در ظرف یک هفته به ترتیب ۱۲٪ و ۱۹٪ سقوط کرد و همین وضعیت در ژاپن اتفاق افتاد. جالب آنکه میزان کاهش ارزش سهام از بازارهای کشورهای نوظهور در همین مدت ۲۳٪ بود. (منظور ما از بازارهای نوظهور کشورهای هندوستان، چین، برزیل و آفریقای جنوبی است) ضرورت ایجاب می کند که ما رابطه موجود بین بازارهای مالی را بهتر درک کنیم و ببینیم که این بازارها چگونه در برابر تغییرات قیمت ها واکنش نشان می دهند. اگر این رابطه را کشف کنیم می توانیم تاثیرپذیری را از یکدیگر به حداقل برسانیم.

۲- رکود اقتصادی کشورهای توسعه یافته ممکن است از کانال های زیر به شدت کشورهای جهان



بسیاری از کشورهای در حال توسعه- به ویژه کشورهای کوچک در حال توسعه قاره آفریقا- در موقعیت نامساعدی قرار دارند و نمی توانند شوک های ناشی از بروز بحران مالی اخیر را تحمل کنند. براساس پیش بینی بانک جهانی (در اکتبر ۲۰۰۸) کشورهای مالای، کنیا و تانزانیا نیز با ضربه های ناشی از نامساعد شدن رابطه مبادله مواجه خواهد شد که بیش از ۵ درصد تولید ناخالص داخلی آنها را از بین خواهد برد.

نشانه هایی از کاهش رشد اقتصادی در قاره آسیا به وضوح دیده می شود. در حالی که کشورهای قاره آسیا موتور رشد اقتصاد جهانی محسوب می شده اند. بانک توسعه آسیایی (Asia Development Bank) اخیراً پیش بینی خود را در مورد رشد اقتصادی کشورهای این قاره مورد تجدیدنظر قرار داده و آن را یک تا دو درصد کاهش داده است.

صندوق بین المللی پیش بینی کرده است که رشد اقتصادی هند در سال ۲۰۰۹ به ۶/۹ درصد برسد که ۱/۱ درصد کمتر از سال ۲۰۰۸ خواهد بود. رشد اقتصادی چین نیز در سال ۲۰۰۹ حدود ۹/۳ درصد برآورد شده بود که تصور نمی رود این رقم تحقق یابد.

به طور کلی دامنه بحران مالی و وسعت آن در

ساختاری که در اقتصاد کشورهای آفریقایی رخ داده قابلیت رقابت این کشورها را افزایش داده و برخی از آنان به سمت صدور خدمات گرایش پیدا کرده اند.

کشورهای آسیایی متعددی را می توان یافت که به ذخیره ارزی هنگفتی دسترسی پیدا کرده اند و عملکرد موفق بخش صادرات آنها به بهبود موقعیت حساب جاری (تراز پرداخت های شان) کمک کرده است.

کشورهای آمریکای لاتین در حال حاضر از لحاظ مالی و فعالیت های برون مرزی (تجارت خارجی) به مراتب، موقعیتی بهتر از سال های دهه ۱۹۹۰ پیدا کرده اند. در دهه ۱۹۹۰ ما شاهد بروز بحران های مالی متعددی در این قاره بوده ایم. مع ذلک علائم نگران کننده ای در کشورهای آمریکای لاتین مشاهده می شود. بالا رفتن قیمت مواد غذایی و بهای انرژی در چند سال به زیان این کشورها بوده است و کشورهای واردکننده نفت و مواد غذایی و بهای انرژی در چند سال به زیان این کشورها بوده است و کشورهای واردکننده نفت و مواد غذایی که تا سال ۲۰۰۳ وضعیت متعادلی داشتند در سال ۲۰۰۷ با ۴٪ کسری در حساب جاری تراز پرداخت های مواجه شده اند و نرخ تورم در این کشورها تقریباً ۲ برابر شد.

سوم را تحت تاثیر قرار دهد:

الف- تجارت و قیمت کالاهای تجاری

رشد اقتصادی حیرت انگیز چین و هندوستان در سال های اخیر میزان واردات این کشورها را افزایش داده است. افزایش تقاضا در این کشورها موجبات بالا رفتن قیمت مس، نفت و سایر منابع طبیعی را فراهم کرد.

نتیجتا، میزان صدور این مواد به این کشورها- و به تبع آن قیمت این مواد- افزایش یافت. کشورهای آفریقای صادرکننده این مواد- به چین و هند- درآمد ارزی شان بالا رفت. در نتیجه، رکود حاکم بر اقتصاد جهان، احتمالاً رشد اقتصادی چین و هند نیز کاهش می یابد که بدون شک اثرات آن بر روی کشورهای فقیر آشکار خواهد شد.

ب- درآمد ارزی که کارگران مهاجر به میهن اصلی خود می فرستند

میزان درآمد کشورهای در حال توسعه ای که نیروی کار به خارج صادر کرده اند در نتیجه بحران مالی کاهش می یابد. اصولاً، کشورهای توسعه یافته- به سبب رویارویی با بیکاری و افزایش نرخ عدم اشتغال- کوشش می کنند مهاجران کمتری را از جهان سوم بپذیرند. کاهش تعداد مهاجران موجب می شود که درآمد ارزی کمتری به کشورهایی که این مهاجران زادگاه آنهاست فرستاده شود. [مهاجران (خارجی) جهان سوم

در سال ۲۰۰۷ میلادی بالغ بر ۲۶۷ میلیارد دلار ارز به کشورهای خود انتقال داده اند. بدون شک این رقم در سال ۲۰۰۹ با کاهش شدیدی مواجه خواهد شد]

پ- سرمایه گذاری مستقیم خارجی

رکود اقتصادی جهان در میزان سرمایه گذاری مستقیم کشورهای توسعه یافته در جهان سوم تاثیر منفی خواهد داشت. در سال ۲۰۰۷ میلادی میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه به بالاترین حد نصاب خود رسید اما

این وضع در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ تکرار نخواهد شد و میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در همه اشکال آن کاهش خواهد یافت. علاوه بر آن کشورهای توسعه یافته میزان سرمایه گذاری در بازار سهام کشورهای در حال توسعه را نیز کاهش خواهند داد. بخشی از سرمایه گذاری ها به صورت ادغام شرکت ها یا تملک شرکت های کوچک توسط غول های بزرگ صنعتی و معدنی

ت- وام های تجاری (اعتبارات اعطایی برای داد و ستد)

شبکه بانکی توسعه یافته از لحاظ نقدینگی به شدت تحت فشار هستند علاقه ای ندارند که همچون گذشته وام ها یا اعتبارات کلانی برای هدف های تجاری در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار دهند. افرادی که در کشورهای در حال توسعه- به ویژه اقتصادهای نوظهور- سرمایه گذاری کرده اند. به سبب ناتوانی این کشورها در بازپرداخت به موقع وام ها یا تسهیلات دریافتی حاضر نیستند که به اعطای وام های جدید مبادرت کنند و خطر عدم دریافت آنها را تحمل نمایند. حتی در کشور توسعه یافته ای مانند آرژانتین، پاکستان، اوکراین و ... از لحاظ استقرار از منابع خارجی برای هدف های تجاری با محدودیت روبرو خواهند شد.

ث- کمک های بلاعوض

کشورهای توسعه یافته که با مشکل نقدینگی مواجه شده اند بدون شک بودجه کمک های بلاعوض خود را کاهش خواهند داد. این وضع در مورد ایالات متحده بریتانیا و اتحادیه اروپا صدق می کند.

اگرچه این کشورها- در کنفرانس های متعدد- به برخی از کشورهای در حال توسعه قول داده اند که میزان کمک های خود را افزایش دهند اما قادر نخواهند بود که

تعهدات خود را ایفا نمایند.

ج- سایر نقل و انتقالات رسمی

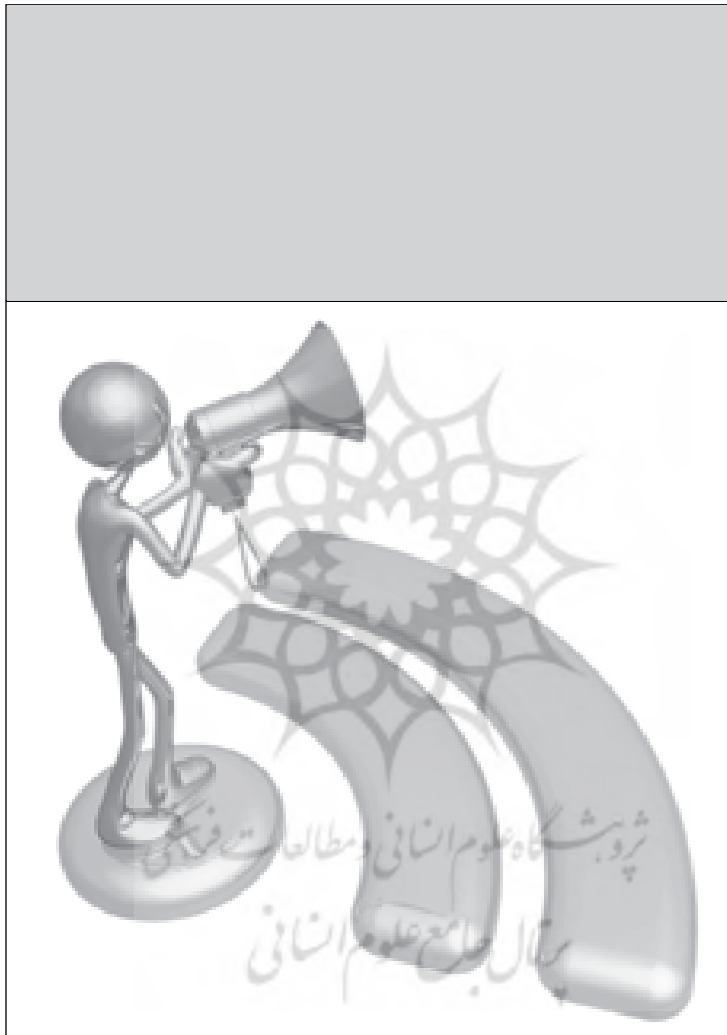
بحران مالی اخیر نسبت کفایت سرمایه را در بسیاری از موسسات مالی که در زمینه اعطای وام های مرتبط با «توسعه» وظایفی برعهده دارند کاهش داده است. در چنین شرایطی این موسسات سیاست های انقباضی در پیش می گیرند و حاضر نیستند که خطرات بیشتری را متقبل شوند.

به هر حال همه کانال هایی که برشمرديم باید مورد بررسی قرار گیرند تا مشخص شود که تاثیر

بوده است.

شرکت بزرگ XSTARATA در صدد بود که سهام یکی از بزرگترین مجتمع های معدنی آفریقای جنوبی را خریداری و آن را در خود ادغام کند. اما به سبب بحران مالی اخیر از تأمین اعتبار لازم برای این ادغام عاجز ماند و خود را کنار کشید

نمونه های متعددی از انصراف شرکت های بزرگ از سرمایه گذاری در کشورهای جهان سوم- از جمله هندوستان- می توان ارائه داد.



این مولفه‌ها بر رشد و توسعه اقتصادی کشورهای جهان سوم چگونه خواهد بود.

کشورهایی که هنوز در زمینه جهانی شدن گام‌های سریعی برنداشته‌اند، ممکن است کمتر دچار اشکال شوند. بالعکس، کشورهای که اقتصاد آنها در اقتصاد جهانی ادغام شده یا وابستگی بیشتری پیدا کرده است ممکن است از پیامدهای منفی بحران مالی اخیر صدمه بیشتری ببینند. به هر حال میزان آسیب پذیری هر کشوری به خط مشی‌هایی بستگی دارد که برای مقابله با بحران یا کم‌رنگ کردن تاثیر آن اتخاذ می‌کند.

زمان برای کنار کشیدن از جهانی شدن - یعنی در انزوا قرار گرفتن - مناسب نیست بلکه مساله مهم آن است که هر کشور در حال توسعه ای - این نکته را درک کند که چه روش‌هایی را در پیش گیرد تا بتواند فرایندهای جهانی شدن را مدیریت کند!

به طور کلی تاثیر بحران مالی جهانی بر روی کشورهای در حال توسعه یکسان نیست و دو عامل بستگی دارد:

- واکنش‌های کشورهای توسعه یافته برای مقابله با رکودی که دامنگیر آنها شده است.

- مشخصه‌های اقتصادی کشورهای جهان سوم و خط مشی‌هایی که برای مهار کردن یا مقابله با آن اتخاذ می‌کند.

کدام کشور در معرض خطر قرار دارند و چگونه؟

با توجه به کانال‌هایی که برای سرایت بحران مالی ذکر کردیم گروه‌بندی کشورهای در معرض خطر به شرح زیر است:

۱- کشورهایی که صادرکننده مهم کالا و خدمات به ایالات متحده و اتحادیه اروپا (به صورت مستقیم و غیرمستقیم) هستند که از آن جمله می‌توان به مکزیک اشاره کرد.

۲- کشورهایی که بهای کالاهای صادراتی آنها - تحت تاثیر نوسانات تقاضا - از کثرت زیادی برخوردار است. (که از آن جمله می‌توان به زامبیا اشاره کرد که مهم‌ترین کالای صادراتی آن رامس تشکیل می‌دهد که بهای آن حدود ۶۰ درصد کاهش یافته است. صنعت گردشگری در کشورهای حوزه کارائیب و آفریقا نیز به شدت آسیب می‌بیند.)

۳- کشورهایی که بخشی از نیروی کار خود را به خارج فرستاده‌اند و درآمد حاصل از کار آنان یا مهاجرانی که در خارج دارند بخش مهمی از بودجه آنها را تشکیل می‌دهد. (کارگران هندی

که در بریتانیا و کشورهای دیگر به کار اشتغال دارند احتمالاً ارزش کمتری به سرزمین خود خواهند فرستاد. علاوه بر آن، مهاجران هندی، پاکستانی، فیلیپینی، تایلندی و... فرصت‌های شغلی کمتری در کشورهای توسعه یافته به دست خواهند آورد.)

۴- کشورهایی که به سرمایه‌گذاری مستقیم به شدت وابسته هستند و کاهش این سرمایه‌گذاری‌ها مشکلات زیادی برای حساب جاری تراز پرداخت‌های آنها ایجاد خواهد کرد. (در شرایط بحران فعلی، کشورهایی مانند آفریقای جنوبی که به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وابسته هستند نمی‌توانند نرخ بهره خود را پایین آورند که این محدودیت مغایر با مصالح اقتصادی آنهاست)

۵- کشورهایی که از بازار سهام پیشرفته‌ای بهره‌مند هستند و بخش بانکداری آنها با اقتصاد بین‌المللی ارتباط تنگاتنگی دارد. این کشورها نمی‌توانند شهروندان خود را از نوسانات غیرعادی بهای سهام مصون نگاهدارند.

۶- کشورهایی که دچار کسری شدید حساب جاری (تراز پرداخت‌ها) هستند و برابری پول ملی این کشورها به شدت تحت تاثیر نوسانات بین‌المللی است و نرخ تورم در آنها بالاست [مقابله با رکود ایجاد می‌کند که نرخ بهره را کاهش دهند اما فشارهای تورمی مانع از آن می‌شود که از این راهکار استفاده کنند] هند و آفریقای جنوبی در زمره این کشورها هستند.

۷- کشورهایی که به شدت بدهکار و دچار کسر بودجه هستند.

۸- کشورهایی که به کمک‌های خارجی نیازمندند. اگرچه تاثیر بحران بر هر یک از کشورهای یادشده متفاوت است ما این تاثیر در زمینه زیر نمود بیشتری دارد:

- کاهش درآمدهای صادراتی
- نامتعادل شدن تراز پرداخت‌ها به سبب کسری حساب جاری

- کاهش میزان سرمایه‌گذاری‌ها و به تبع آن کاهش رشد اقتصادی

- از دست رفتن فرصت‌های شغلی
اثرات اجتماعی بحران بر کشورهای یادشده مشتمل بر موارد زیر است:

- گسترش فقر و افرادی که زیر خط فقر دارند به سبب کاهش رشد اقتصادی

- افزایش میزان جرایم
- نارسایی سیستم‌های بهداشت (کاهش اعتبارات مربوط به بخش بهداشت)

- عدم تحقق هدف‌های هزاره سوم توسعه

(تعیین شده توسط سازمان ملل)

عکس‌العمل‌های احتمالی در قبال بحران

چالش‌های اجتماعی و اقتصادی که بحران مالی جهانی اخیراً ایجاد کرده است ایجاب می‌کند که کشورها با شناخت بهتری، عکس‌العمل‌های مناسب را در قبال این بحران از خود نشان دهند. لذا ضروری است که:

۱- هر کشوری به این نکته واقف شود که چه اقداماتی موجب ثبات مالی می‌شود و چه نوع همکاری‌هایی در سطح منطقه می‌تواند به ایجاد انضباط در سیستم‌های مالی بین‌المللی و ضابطه‌مند کردن مقررات آن کمک کند.

۲- کشورهای در حال توسعه پس از یک دوره برخورداری از رشد مستمر و بالا رکود اقتصادی فعلی یا دوران عدم رونق را مدیریت کنند مدیریت کلان اقتصادی در سطح بین‌المللی باید در دستور کار نهادهای اقتصادی بین‌المللی قرار گیرد. آیا کشورهای در حال توسعه آمادگی آن را دارند که مناسب‌ترین خط مشی‌های پولی و مالی را برای مدیریت بحران فعلی اتخاذ کنند؟

۳- کشورهای در حال توسعه الزاماً باید به پیامدهای اجتماعی بحران اخیر توجه خاصی مبذول نمایند و طرح‌های حمایتی مناسب را برای رفع زیان‌های اجتماعی بحران تهیه و اجرا کنند.

۴- اگر بخش‌های اساسی اقتصاد با مشکل مواجه شوند راه حل‌های مالی کاربرد وسیعی نخواهند داشت. لذا نهادهای مالی بین‌المللی باید خطرات بیشتری را بپذیرا شوند و اقدامات لازم را برای حمایت از جریان یافتن سرمایه‌گذاران به کشورهای در حال توسعه به عهده بگیرند و کاهش سرمایه‌گذاری از سایر منابع را جبران کنند

۵- در شرایطی که اعطای کمک‌های بلاعوض به کشورهای جهان سوم با مشکل روبرو می‌شود باید برای کشورهایی که در معرض خطر بیشتری هستند اولویت قائل شد. اما این کمک‌ها چگونه باید کانالیزه شوند؟ آیا طرح‌هایی که در شرایط فعلی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای کمک به توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه اجرامی کنند کافی به نظر می‌رسد یا ضرورت اقتضا می‌کند که این کمک‌ها در اختیار کشورهای گذارده شود که در نتیجه بالا رفتن قیمت انرژی و مواد غذایی با مشکلات حادث‌تر از پرداخت‌ها مواجه شده‌اند.